

غزل شماره ۴۲۳

دوش رقم به در میکه خواب آلوده
خرقه تردامن و سجاده شراب آلوده
آمد افسوس کنان منچہ باده فروش
گفت بیدار شو ای رهرو خواب آلوده
شست و شویی کن و آن که به خرابات خرام
تا نکرده ز تو این دیر خراب آلوده

به هوای لب شیرین پسران چذکنی
جو هر روح به باقوت مذاب آلوده

به طهارت گذران مترل پیری و مکن
خلعت شیب چو تشریف شاب آلوده

پاک و صفائی شو و از چاه طبیعت به در آی
که صفائی نهد آب تراب آلوده

گفتم ای جان جهان دگر گل عیبی نیست
که شود فصل بهار از می ناب آلوده

اشتیان ره عشق در این بحر عمیق

غرغره کشند و نکشند به آب آلوده

گفت حافظ لغز و نکته به یاران مفروش

آه از این لطف به انواع عتاب آلوده

تفسیر فال

از خواب غفلت بیدار شو، زیرا زمان به سرعت در حال گذر است و اگر بی‌توجهی کنی، بسیار دیر خواهد شد و در مسیر زندگی عقب خواهی ماند. رخوت و کسالت را کنار بگذار و به جای آن، جوهر وجود خویش را که همان همت والا و مردانگی راستین است، به نمایش بگذار. باید بدانیم که توبه را برای زمان پیری نگذار؛ چرا که در جوانی پاک بودن نه تنها نشانه‌ای از بزرگی روح است، بلکه یک هنر واقعی محسوب می‌شود. هیچ انسانی بی‌عیب

نیست، بنابراین بهتر است از خطاهای دیگران خرده نگیرم و به جای قضاوت، بر روی خودمان تمرکز کنیم تا بتوانیم زمینه‌ای برای رشد شخصی فراهم آوریم.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)